

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لاله

۲۷ اپریل ۲۰۱۷

روزهای ننگین و خونین ۷ و ۸ ثور، سرآغاز اشغالگری ها و جنایات چهار دهه اخیر

حزب منفور دموکراتیک «خلق» با راه اندازی کودتای ننگین نظامی در ۷ ثور ۱۳۵۷، زمینه لشکر کشی قشون «سرخ» سوسیال امپریالیسم شوروی را به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ مهیا نمود. اشغالگران روسی با شرکت بیش از ۶۲۰ هزار نظامی در جریان بیشتر از ۹ سال تجاوز خونین، با مرگ ۱۴۴۵۳ و زخمی شدن ۵۳۴۵۳ نظامی و پرداخت بیش از ۱۰ میلیارد دالر مصارف جنگ، به تاریخ ۲۶ دلو ۱۳۶۷ با سر افکنده و شکست سنگین خاک افغانستان را ترک کردند. این کودتای منحوس برای مردم ما، بیش از یک میلیون کشته، دو و نیم میلیون زخمی، نزدیک به هفت میلیون آواره، نابودی کامل اقتصاد رو به انکشاف و اضمحلال زندگی نیمه بند اجتماعی و فرهنگی را به همراه داشت.

نوکران سر سپرده کرملین که یک روز هم به راه پر افتخار مارکسیسم قدم نگذاشته بودند، با تطبیق طرح های رویزیونیستی خروشچف خیانت نابخشودنی را به کمونیسم کردند. این جرثومه ها با افکار بویناک و صدور فرمان های پیهم، نه تنها باعث بدنامی کمونیسم در افغانستان گردیدند، بلکه باور و اعتماد توده های زحمتکش به علم رهایی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را به شدت خدشه دار ساختند که برای اعاده حیثیت دوباره آن باید دهه ها وقت و انرژی صرف گردد.

این یلغار تحولات و دست درازی های بیشماری را در منطقه به همراه داشت؛ امپریالیسم جنایتکار امریکا که از رقیب روسی خود در جنگ ویتنام شکست مقتضحانه خورده بود، دم را غنیمت شمرد و با ایجاد جبهه وسیع ضد سوسیال امپریالیسم شوروی که در آن کشور های امپریالیستی غربی، شیخ نشین های عرب، کشور های منطقه از جمله پاکستان و ایران و سایر کشور های ذینفع دخیل بودند، توانست با راه اندازی تبلیغات گسترده در مدت زمان کوتاه نه تنها میلیارد ها دالر کمک را برای جنگ علیه سوسیال امپریالیسم شوروی گرد آوری نماید، بلکه رهبری پشت جبهه جنگ را به دست گرفته و از طریق دست پرورده های بومی خود (تنظیم های جهادی) توانست جلو پیشروی شوروی ها را به آب های گرم هند بگیرد و در آینده با تطبیق طرح «دکتورین خاورمیانه بزرگ» از طریق ترسیم (نقشه راه) تجاوز به افغانستان را تضمین نماید. اولین مرحله از (نقشه راه) امپریالیسم امریکا با شکست و تجزیه شوروی به ۱۵ جمهوریت، موفقانه عملی گردید.

در فردای شکست سوسیال امپریالیسم شوروی، دولت دست نشانده کابل با اعلان «مشی مصالحه ملی» خواهان آشتی (ملی) گردید که این خواست از سوی تنظیم های تا دندان مسلح جهادی به شدت رد و در ظرف چند ماه با تصرف تمامی ولایات، دولت نجیب را شکست دادند. تنظیم های جهادی برای عملی نمودن مرحله دوم (نقشه راه) امپریالیسم امریکا به جنگ های خونین داخلی دست زدند و دمار از روزگار مردم خسته از جنگ افغانستان در آوردند. کرگسان جهادی برای رسیدن به قدرت از چهار سمت به کابل، وحشیانه هجوم آوردند و در مدت زمان کوتاه کابل را از سکنه خالی و به شهر ارواح مبدل کردند.

لاشخواران بنیادگرایی (هفتگانه و هشتگانه) با ایجاد جزیره های قدرت و پرورش عقده های چرکین تعصب به نام های مذهب، ملیت، قوم، سمت و قبیله با فجیع ترین شکنجه ها به قصابی انسان ها پرداختند و از کشته ها پشته ها ساختند تا فضا را برای تطبیق مرحله سوم (نقشه راه) امپریالیسم امریکا آماده سازند.

با آغاز تجاوز قشون «سرخ» یکی از مأموریت هائی که باید از سوی چوبدست امپریالیسم امریکا در منطقه (پاکستان) توسط پول های فراوان شیخ نشین های عرب به سر انجام می رسید، همانا تربیه کتله وسیعی از جوانان، نوجوانان و کودکانی بود که تحت نام آموزش مسایل دینی تحت نظر مستقیم سازمان جاسوسی پاکستان (آی اس آی) در هزاران مدرسه (به اساس برخی آمار بیشتر از ۲۸ هزار مدرسه به صورت رسمی و غیر رسمی در جریان جنگ علیه سوسیال امپریالیسم شوروی به پول عرب ها در پاکستان ساخته شد) عملاً استفاده از سلاح و تجهیزات نظامی را آموزش می دیدند تا در تطبیق مرحله سوم (نقشه راه) من حیث گوشت دم توپ از آن کار گرفته شود.

با روی کار آمدن جریان طالبان من حیث سیاهترین دوره تاریخ سیاسی کشور، بساط خونریزی و ویرانی جهادی ها برچیده شد و مأموریت امارت اسلامی من حیث مرحله سوم (نقشه راه) آغاز گردید. طالبان با شعار حاکمیت شریعت اسلامی با چنگ و دندان تلاش داشتند تا شرایط زندگی در افغانستان را به زمان ظهور اسلام برسانند. شلاق زدن، قطع اعضای بدن، زیر دیوار کردن، ریش گذاشتن، به چهار دیواری کشیدن زنان، بستن مکاتب دخترانه، منع استفاده از آلات موسیقی، پنج وقت نماز، جمع آوری عشر و زکات و غیره جزئی از اعمال روزمره این گروهک وابسته و مزدور بود که به دستور مستقیم مشاوران (آی اس آی) و (سیا) عملی می گردید. طالبان توانستند به بهترین وجه مأموریت خود را به پایان برسانند و زمینه را برای آغاز مرحله چهارم (نقشه راه) آماده سازند. امپریالیسم جنایتکار امریکا با راه اندازی سناریوی یازده سپتمبر ۲۰۰۱ در واقع شماره معکوس تجاوز گسترده به افغانستان را به تاریخ هفتم اکتوبر همان سال آغاز کرد.

امروز که از آغاز هجوم وحشیانه اشغالگران غربی به سردمداری امریکای جنایتکار نزدیک به شانزده سال می گذرد، طوری که با پوست و گوشت احساس می گردد، در هیچ برهه ای از چهار دهه اخیر سکتگی در قتل، کشتار، تجاوز، خیانت و جنایت در افغانستان به وجود نیامده است. اگر تا دیروز دست نشانده های هفت ثوری در خوشخدمتی و پایبوسی «چکمه پوشان» کرملین از هیچ تلاشی دریغ نمی ورزیدند و برای رضایت خاطر اشغالگران روسی به قتل و کشتار انسان ها دست می زدند، امروز هم بقایای هشت ثوری های دیروزی همراه با تکنوکرات های غربی و تواب شده های هفت ثوری برای رضایت خاطر اشغالگران غربی به هر ساز آنها رقصیده، کشتار هم وطن در بند ما را وسیله تقرب به خاقان کاخ سفید می سازند.

در این میان وضعیت و موضع گیری طالبان از چند سال به اینطرف قسماً دگرگون گردیده است. جمع وسیعی از آنها کماکان تحت حمایت و نظر مستقیم (آی اس آی) در حال تطبیق سیاست های توسعه طلبانه پاکستان در افغانستان اند و هر روز از طریق نظامیان پاکستان تمویل و تجهیز گردیده و در میدان های جنگ به شدت ارتجاعی جاری سهم فعال

دارند. عده دیگر از طالبان توسط روسیه و ایران به منظور جلوگیری از نفوذ روز افزون پروژه داعش در منطقه و منحیث خارج چشم اشغالگران امریکائی تمویل و تجهیز می گردند.

اگر افغانستان مستعمره – نیمه فیودالی محل آزمایش بزرگترین سلاح غیر هسته ئی جهان و انواع سلاح های نظامی پیشرفته دیگر قرار می گیرد، اگر افغانستان به بزرگترین کشور تولید کننده مواد مخدر تبدیل شده و بیش از سه میلیون انسان در آن معتاد اند، اگر افغانستان من حیث فاسدترین کشور لقب نا امن ترین کشور جهان را گرفته و هر روز فرزندان توده های زحمتکش و ستمدیده آن تحت نام عسکر (در حمله اخیر طالبان خونریز و مزدور به قول اردوی شاهین در بلخ نزدیک به ۴۰۰ عسکر از دنیا بی خبر که برای سیر نمودن شکم خود و فامیل های شان به اردوی اجیر دولت پوشالی پیوسته بودند، قتل عام گردیده و صد ها عسکر دیگر نیز زخمی شدند)، طالب و داعش کشته و زخمی می شوند، این ها همه ناشی از سرسپردگی و چاکرمنشی حاکمان سیاسی اند که در طول چهار دهه اخیر شرف و ناموس خود را فروخته اند.

عامل تمامی اشغالگری های چهار دهه اخیر، سرسپردگی و چاکرمنشی دولت های ارتجاعی اند که نه به خواست و اراده توده ها بلکه به کمک و حمایت مستقیم کشور های اشغالگر بر اریکه قدرت تکیه زده و تا زمانی که آزادیخواهان، استقلال طلبان، نیرو های انقلابی و چپ کشور با ایجاد صدای واحد ضد استعمار و استعمار قدرت سیاسی را در کشور از طریق انقلاب ملی – دموکراتیک به دست نگیرند، رهائی از ظلم و تعدی اشغالگران و ایادی داخلی آن خواب و خیالی بیش نخواهد بود.

۷ ثور ۱۳۹۶